

خبرها

کتاب راز آشکارا منتشر می شود

مهر: «راز آشکارا» مجموعه‌ای از خاطرات «میلاد کیایی» در عرصه فعالیت‌های موسیقایی است که به زودی منتشر می شود. میلاد کیایی- نوازنده سنتور- گفت: پس از انتشار آلبوم راز آشکارا درصدد انتشار کتابی به همین نام بودم که ویرایش نهایی کتاب به پایان رسیده و به زودی منتشر خواهد شد.

وی درباره محتوای این کتاب گفت: مجموعه‌ای از وقایع و اتفاقات تلخ و شیرین در عرصه موسیقی را در چند دهه گذشته گرد آورده‌ام که فکر می‌کنم از جاذبه‌ای بالا برخوردار باشد و علاقه‌مندان بسیاری را به خود جذب کند.

کیایی با اعلام خبر برگزاری کنسرت‌هایی در کشور استرالیا گفت: به زودی چند کنسرت در شهرهای مختلف استرالیا برگزار خواهم کرد که خوانندگی آن به عهده اکبر گلپایگانی خواهد بود.

خواننده

جشنواره‌های موسیقی تکراری شده‌اند

میراث خبر: «سیاست‌گذاری‌های جشنواره‌های موسیقی باید به گونه‌ای باشد که هماهنگ و همگون باشند.»

دکتر محمد سریر دبیر جشنواره موسیقی جوان گفت: «اینکه دفتر موسیقی چندین جشنواره برگزار کند، بدون آنکه سیاست کلی و واحدی بر آنها وجود داشته باشد، برای موسیقی فایده‌ای ندارد.»

سریر با انتقاد از کیفیت جشنواره‌ها گفت: «معنای جشنواره‌ها دیگر از بین رفته است. جشنواره باید موضوعات بکر و تازه داشته باشد. برای اولین بار چهره‌هایی را معرفی کند. در سال‌های اخیر تمام جشنواره‌ها پر از تکرار شده‌اند.» سخنگوی خانه موسیقی ادامه داد: «باید دبیرخانه‌ای برای تمام جشنواره‌ها تشکیل شود که سیاست واحدی برای آنها اتخاذ کند. جشنواره‌ها باید در راستای هم برگزار شوند. بعضی از موضوعات و بخش‌های موسیقی هستند که در همه جشنواره‌ها تکرار می شوند و بخشی از موسیقی در هیچ جشنواره پرداخته نمی شود. ما باید بدانیم که چه بخشی از موسیقی جوانان در جشنواره جوان می‌گنجد و چه بخشی در جشنواره‌های دیگر از جمله فجر و نواحی. « سریر همچنین با اشاره به اینکه دبیران جشنواره‌ها باید هدف مشخصی تعیین کنند و بر اساس آن جلو بزنند، گفت: «یک نگاه عام باید بر چون جشنواره‌ها حاکم باشد اهمیت هر کدام از حوزه‌ها مشخص شود و براساس آن بودجه، امکانات و نیرو به جشنواره مورد نظر تعلق بگیرد. مثلاً دعوت از میهمانان خارجی برای همه جشنواره‌ها باید از طریق یک نفر انجام گیرد.»

کنسرت‌های بزرگداشت موتسارت در سراسر دنیا

مهر: ده‌ها کشور اروپایی و آمریکایی شاهد برگزاری کنسرت‌های مختلفی به مناسبت دویست و پنجاهمین سالگرد تولد موتسارت هستند. امسال به مناسبت دویست و پنجاهمین سالگرد تولد موتسارت نابغه



آهنگسازی دنیا، در کشورهای مختلف جهان کنسرت‌های موسیقی با اجرای قطعاتی از وی برگزار می‌شود. روکویم معروف موتسارت با عنوان «الهام یک روح» توسط گروه کر دانشگاه ایالت بمبئی به همراه ارکستر سمفونی اجرا می‌شود. گفته می‌شود این اثر در سال ۱۸۷۱ به صورت ناقص توسط موتسارت نوشته شد و سال‌ها پس از مرگ او توسط آهنگسازانی چون برامس، ربرلیوز و وردی تکمیل شده است. همچنین فستیوال چهره‌های موتسارت در تالار سنت پل سالزبورگ برگزار می‌شود و در آن اغلب آثار موتسارت قرار است اجرا شود. در این فستیوال نوازندگان و رهبرانی چون روبرتو آبادو حاضر خواهند بود. آبادو به همراه ارکستر بزرگ مینه‌سوتا قطعات موتسارت را اجرا می‌کند. عنوان این کنسرت «قطعات مقدس موتسارت» نام دارد.

مجمع عمومی کانون مدرسان خانه موسیقی برگزار می‌شود مجمع عمومی کانون مدرسان خانه موسیقی ۲۳ اردیبهشت ماه در سالن رودکی برگزار می‌شود. در این مجمع که با حضور تمامی اعضای کانون مدرسان خانه موسیقی ساعت ۱۴ در سالن رودکی برگزار می‌شود، بعد از ارائه گزارشی از عملکرد فعالیت‌های کانون پیشین طی انتخاباتی اعضای جدید هیات‌مدیره این کانون انتخاب می‌شوند. در هیات‌مدیره سابق کانون مدرسان «محمد سریر» به عنوان رئیس هیات‌مدیره، «آذر هاشمی»، «رویا حلاج»، «هادی منتظری» و «مصطفی کمال پورتراب» به عنوان اعضا و «سرو امجدی» بازرس در این کانون فعالیت می‌کردند.

«مجمع کانون آهنگسازان رهبران کر و ارکستر» نیز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه ساعت۱۴ در سالن رودکی برگزار خواهد شد.

من انتظار ندارم که ژانر به اثر تشخیص دهد، اما برایم مهم است قراردادی که با مخاطب گذاشته می‌شود، درست اجرا شود.

این که واژه پست مدرنیسم از نوعی ابهام معنایی برخوردار است، نشان می‌دهد که درک ما از مدرنیسم آن قدر متفاوت است که حتی بعضی از افراد دچار تردید می‌شوند. آیا واقعاً کسانی که به نظریه‌پردازی پست مدرنیسم می‌پردازند، دارای فرهنگ مشترکی هم هستند یا خیر؟

پست مدرنیسم آقدرها هم ضدمدرنیسم نیست. در عین این‌که مدعی ضدنخبه‌گرایی هم است و هم‌زمان که می‌کوشد تاریخ را پذیرا باشد، با آن نیز مخالفت می‌کند.

بسیاری از منتقدان و مفسران موسیقی، موسیقی پست مدرن را به هر قطعه‌ای اطلاق می‌کنند که در زمان حال نوشته شده باشد، اما چنان صدا دهد که به زمان حال مربوط نباشد. آیا این صحیح است که برای رسیدن به نگرش پست مدرنیستی در موسیقی باید به نظر به‌های پست‌مدرنیست‌هایی چون «لیوتار»، «گادامر» و «بودریار» تکیه کرد؟ یعنی بر تمایز آشکار سوژه و ابژه تأکید کرد، آن هم در موسیقی. آیا سوژه واقعیته عینی در موسیقی است و در موسیقی پست مدرن درکی ظرفیت‌تر و متنوع‌تر دارد؟ کنسرت موسیقی پست‌مدرن «کیوان میرهادی» مرا به یاد حرف «جانانان کرمر» می‌اندازد که می‌گوید: «پست‌مدرنیسم به‌گونه‌ای کلافه‌کننده، مفهوم موسیقایی یغردقیقی است». در این کنسرت دو اثر به رهبری کیوان میرهادی اجرا شد. یکی اثر «مسعود شعاری» با تنظیم رهبر ارکستر و یکی هم کنسرتو پیانوی «آلفرد اشنیتکه» آهنگساز دوسویه روس. اثر مسعود شعاری با تیتَر پست‌مدرن، مخاطب را به طرز گیج‌کننده‌ای به سوی یک تعریف کروئولوژیک از موسیقی راهنمایی می‌کند. تیتَر انتخابی آقای میرهادی، بیشتر از آن‌ که شنونده را به سوی یک مقوله ایده‌آل هدایت کند و یک روش اجرا را پیش بکشد، نامهمگونی آن کروئولوژی را در یک گروستان موسیقی New Age مدفون می‌کند. آکسان‌های هماهنگ، پدال‌های تعریف شده، شمایل سَر سار و دود، تورقی به مولانا و انتظار کمی صدای افکت، بیشتر از آن‌ که ما را دچار توهم شبه پست‌مدرنیستی کرده باشد، دامن لیوتار را لکه‌دار کرده است. بی‌باوری به فراروایت‌ها، به این معنی که در دوره عقلانیت هدمند نمی‌توان به سلوک انسان‌باورمند بود. ملودی این اثر، احتمالاً تنها برای سه‌تار آماده شده و طبعاً با برخی از سلیقه‌ها همخوانی دارد، اما در تنظیم آن برای گروهی از سازها، که توسط رهبر این ارکستر انجام گرفته به شکل قابل توجهی سعی شده تا در کنار تاتفر صداها به نوعی یگانگی دست یابد و می‌دانیم که یگانگی به تنهایی صرفاً یک خصلت موسیقایی نیست.

با این وصف، موسیقی از موضع قبلی جهان‌شمول خود هم پایین خواهد آمد. چیزی که در موسیقی پست‌مدرن آهنگ‌سازان این حوزه را به خود جذب کرده است، تعارض و تضاد است. یک هه‌ته‌رو فونی و هه‌ته‌رو توپیا است. نه تنها شقاق صوتی بلکه شقاق عینی و ذهنی، موسیقی را به سوی پدیدارهای ناگهانی هدایت می‌کند. سمفونی سوم «ویلیام بولکوم» خوب می‌تواند ذهن ما را در این مورد به آرامش برساند. با شنیدن این اثر به راحتی در خواهیم یافت که پست‌مدرنیسم ضرورتاً در تضاد با مدرنیسم واقع نشده است و همین جاست که کنسرتو پیانوی اشنیتکه به ما یادآوری می‌کند که به دلیل استفاده از مکانیسم‌های نوجویانه و کنار نهادن منطق و سنت و ترجیح ضمیر ناخودآگاه بر خودآگاه، نمی‌تواند در زمره یک اثر پست‌مدرنیستی قرار گیرد، چرا که نشانه‌هایی چون موضع‌گیری‌های مکانی در صوت، تغییر نواک، استفاده از دیرنדה‌ها و . . . را در خود دارد. فرایگز شدن بینامتنیت با گسترش پست‌مدرنیسم به سرانجام می‌رسد، تا آن جا که در پست‌مدرنیسم موسیقایی‌گوشش می‌شود تا ارجاع‌ها و نقل‌قول‌ها، بی‌هیچ تعریف یا دخل و تصرفی، همان باشد که هست. به همین دلیل موسیقی پست‌مدرن، هر نوع تنوع را به آسانی می‌پذیرد.

درست است که پست مدرنیسم با آغوش باز قالب‌ها و رویکردهای فرهنگ عامه را می‌پذیرد و حساسیتی نظریه شناختی را در معرض نمایش می‌گذارد، اما کتا به‌آیند هم است. نتیجتاً، سطحی از بومی سازی فرهنگی را در کنار طیفی از فنون زیبایی شناختی که قبلاً هم با مدرنیسم همراهی داشته‌اند به کار می‌گیرد. از حوالی ۱۹۷۰، زمانی که «ریهم» و «تراهان» موسیقی خود را تحت تأثیر نحوه نگارش «هایبراس» شکل می‌دانند که بر آن اساس «پست‌مدرنیسم»، یک جنبش سنتی آمیخته‌که با تعصب بود»، هر جا که موسیقی با واژه پست مدرن آمیخته می‌شد، باری منفی به همراه داشت. اما این واژه در هم‌آمیزی‌اش با موسیقی، بعد‌ها در آلمان دارای پیچیدگی مفهومی مضاعفی شد، در همین دوره «شلسی» تحت تأثیر نگارش‌های فلسفی این جریان قرار می‌گیرد، (گرچه شلسی به‌شدت در این خصوصیات آکوستیکی صوت مشتق شده بوده است، اما صوت را نخستین جنبش ناجنبنده می‌داند و بر مبنای همین عقیده، پس از آن بحران چهارساله و «فکر کردن بیش از حد» به سوی اسپکترال گام بر می‌دارد.) «دلا موته هابر» به چند دلیل برای این پیچیدگی اشاره می‌کند. تأکید می‌کند بر نظریه «چارلز چنکر»، مبنی بر این که مفهوم همچون جاذبه متأثر است و نشان‌دهنده این است که پست‌مدرنیسم به خصوصیات مشخص و برجسته هر کشوری، شکل می‌بخشد. دوم اینکه پست‌مدرنیسم بسیار زود مفهوم زیبایی شناختی خود را از دست می‌دهد، بنابراین با تکیه بر موجی که در فرانسه راه افتاد، در مجرای مولون و دفتیق و تعیین شده مدرنیسم، نمی‌گنجد. به مورد دیگری نیز اشاره می‌کند که

موسیقی و تجسمی

یادداشتی به مناسبت کنسرت گروه کامه‌را تا

نیروهای منفی موسیقی پست مدرن

پیمان سلطانی



پست مدرنیسم، یک کلمه مرکب است و معنای آن به برداشت ما از واژه مدرنیسم بستگی دارد. برای همین این سؤال مطرح می‌گردد که موسیقی پست‌مدرن چگونه آفریده می‌شود و چه چیز به این ژانر موسیقایی شخص بخشیده است؟ آن جا که «کاگل» با اقتباس از کمدی الهی، «حروف بازی» را می‌آفریند؛ یا آن جا که «ئونو» در پی سؤال «ادبیات چیست؟» «سازتر» به ماده جدیدی دست می‌یابد و یا آن زمان که «برسو» تحت تأثیر جویس قرار می‌گیرد؟ و یا هنگامی که پست‌مدرنیسم به عنوان برجسی برای یک دوره جدید مورد استفاده قرار گرفت و ارتباط آن با اصل موضوع، به واسطه این حقیقت که استمرار در همه جا قابل رؤیت است، مورد تهدید واقع می‌شود؟ هنگامی که پیچیدگی و ابهام معنایی پست مدرنیسم در نیمه دوم ۱۹۸۰ افزایش یافت، باعث شد نظریات بیشتری به سمت پست مدرنیسم در موسیقی جلب شود. در همین برهه بود که «ولش» و پلورالیسم بنیادی را به عنوان مفهوم کلیدی پست‌مدرنیسم معرفی کرد. ولش معتقد بود آثار موسوم به پسامدرن، در جایی که پلورالیسم بنیادی زبان‌ها و مدل‌ها و سبک‌ها، نه تنها در کارهای متفاوت، بلکه در یک کار واحد هم وجود دارند، به چشم می‌خورند.

به همین دلیل کنسرت میرهادی مرا به این فکر می‌اندازد که چنین پست‌مدرنی، حتماً می‌بایست برجسی برای مشخص کردن عناصری متجانس باشد. چرا که در چنین صورتی ما می‌توانیم به صورت موقت از عناصری استفاده کنیم که یا با یکدیگر متفاوتند و یا در ناخوشایند بودن با یکدیگر مشترکند. در حالی که پست مدرن یک ارتداد است، یک گسیختگی و یک چشم‌پوشی است، خیلی بیشتر از یک تغییر جهت ساده. تصور می‌کنم این دوستان صوت را پدیده‌ای متعلق به تاریخ می‌دانند. در حالی که صوت عنصری پویا است و نمی‌تواند به صورت مجرد در یک اثر با بنیادهای پست‌مدرنیستی مورد استفاده قرار گیرد. از دیدگاه «پی‌بر بولز» صوت از اجزایی تشکیل می‌شود که متغیرند و بی ثبات و ممکن است از دریافت آدمی بگریزند. پس چگونه آقای میرهادی فکر کرده‌اند که اصوات به صورت «ایما» در ترکیب ابزار الکترونیک و ابزار سنتی به صورت اختلاطی می‌توانند به موسیقی پست مدرن نزدیک شوند و با این که ملودی آقای شعاری این امکان را داشته است تا به صورت یک سنتز آنالوژیکی از وابستگی‌های سنتی، درهم آمیزی تحمیلی و غیراختیاری‌اش به سمت موسیقی پست‌مدرن گام بردارد.

پست مدرنیسم هنوز به اندازه کافی برای بیرون آمدن از کوری مطلق مشروعبت قدرتدار دارد. بنابراین برای مشروعیت، در یک اثر موسیقایی که راه‌ها و امکانات صد یک نوع موسیقی New Age را فراهم کرده است، کدام مسیر را می‌پیماید. باید توجه داشت که شنوندگان، شاخص‌های صوتی پیشنهاد شده را تشخیص می‌دهند. به کمک تأمل نظری باستان‌شناسانه است که اثر را به پنداشت خودشان بازسازی می‌کنند، آن‌هم در کشوری که در آن سنت‌های آگاهی‌آمنوتوری و همچنین روشنفکرسبیزی همه‌جانبه قرن نوزدهم همچنان پایدار مانده‌اند.

دنیای موسیقی نو محل حضور آمیزه‌ای از موسیقی دانانی است که وجوه‌اشتراک بسیار اندکی دارند. چرا که پست‌مدرنیسم اصطلاحی است مملو از تناقضات. اگرچه این تناقضات درونی‌اند و تعاریف ضد و نقیض بسیاری را به هم تنیده است، اما اشاره به این نکته ضروری است که پست‌مدرنیسم تلاش می‌کند تا پنداشت خودشان بازسازی می‌کنند، آن‌هم در کشوری که در آن سنت‌های آگاهی‌آمنوتوری و همچنین روشنفکرسبیزی همه‌جانبه قرن نوزدهم همچنان پایدار مانده‌اند.

پست مدرنیسم، برای مقاومت در برابر وضع موجود چنین می‌کند، در واقع به عنوان عاملی که با انکار مدرنیسم، شرایط قبلی را مطرح می‌سازد. برخوردی که «لاختمن»

سال سوم ■ شماره ۷۵۲ *شرق*

ریتم

درباره آلبوم جدید نیل یانگ

بیا صلح را به یاد آوریم

ترجمه: آزاده فرامرزى‌ها

نیل یانگ که در طول چهار دهه فعالیت حرفه‌ای‌اش، بیشتر اوقات به مسائل و تم‌های سیاسی نزدیک بوده، قرار است به زودی آلبومی ارائه دهد که در حقیقت بازنگری جنگ عراق است و مستقیماً جورج بوش را متهم اعلام می‌کند. این آلبوم که شامل ده آهنگ است و «زندگی در جنگ» نام دارد، آشکارا سیاسی‌ترین کار یانگ از زمان انتشار آهنگ «اوهایو» به این طرف محسوب می‌شود که در سال ۱۹۷۰ با همکاری گروه‌هایی مانند کراسبی، ستیلز، ناش و خود یانگ و در پاسخ به ترور کنت استیت تهیه و به سرعت پخش شد.

البوت رابرتز مدیر هنری یانگ می‌گوید که آلبوم «بیشتر درباره سربازان» است و به کسانی می‌پردازد که ۱۸ ساله شده و ناباورانه در صف سربازان می‌ایستند.

اسامی بعضی آهنگ‌های آلبوم عبارتند از: «بیاید رئیس جمهور را متهم کنیم»- که در آن صدای یک گروه کر صدتفره زیر صدای سخنرانی جورج بوش خفه می‌شود- «به دنبال یک رهبر» و همچنین نسخه دیگری از «آمریکای زیبا» که توسط یانگ و گروه کر اجرا می‌شود.

رابرتز عنوان می‌کند که نمی‌داند چه مسئله‌ای نیل یانگ را برانگیخت تا این آلبوم را به این سرعت و ظرف مدت دو هفته تهیه کند، هرچند می‌داند که یانگ زیاد اخبار نگاه می‌کند! همچنین معتقد است که احساسات بازگو شده در آلبوم به زودی شکلی جهانی به خود می‌گیرد. رابرتز می‌افزاید: «این فقط یک حس

سیاسی دموکرات بر ضد جمهوری خواهی نیست. « آلبوم زمانی انتشار می‌یابد که اکثر کمپانی‌های ضبط موسیقی و ایستگاه‌های رادیویی گرایش خاصی به پرداختن به تم‌های سیاسی پی‌برده پیدا کرده‌اند. آخرین اثر گروه پرل جم به نام «خودکشی جهانی» که رئیس جمهور را علناً به قربانی کردن سربازان برای هیچ متهم می‌کند، اخیراً به مدت ۳ هفته در صدر جدول راک مدرن قرار گرفت و همچنین آلبوم «احق آمریکایی» گروه گرین دی که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد با آهنگی به نام «Sieg Heil to the president gasman» سرصدای بسیاری به راه انداخته و تاکنون بیش از ۰/۴ میلیون نسخه فروش داشته است.

نیل یانگ در طول سال‌های فعالیتش نظرات سیاسی گوناگونی در آثارش ارائه داده است. در دهه هشتاد او شدیداً طرفدار رونالد ریگان بود، اما اکنون بیشتر به یک منتقد حزب جمهوریخواه تبدیل شده است.



آهنگ Rocking in the free world او که در سال ۱۹۸۹ تهیه شد آشکارا جورج بوش پدر را هدف گرفته بود. در فیلم «دره سبز» که او خود آن را ساخته و به همراه آلبوم سال ۲۰۰۳ خود به همین نام به بازار عرضه کرد، اشاره‌ای بر ضد تصاویر وکیل مدافع سابق ژنرال جان آکراف داشت.

به گفته البوت رابرتز هنوز آلبوم به کمپانی تهیه‌کننده آثار نیل یانگ (برادران وارنر) راه نرفته است اما او امیدوار است که آلبوم تا اواخر ماه ژوئن انتشار یابد. آخرین آلبوم نیل یانگ «نسیم چمنزار» نام داشته و در حدود ۴۵۲ هزار نسخه فروش کرده است. نیل یانگ در وب‌سایتش (neilyoung.com) توضیح می‌دهد که آلبوم «شکلی مثال از فیل اکس و باب دیلن است. . . . اعتراض مثال گونه»!

در این وب‌سایت همچنین نمونه‌ای از اشعار آلبوم به چشم می‌خورد:

و با مدیدن سپیده یارانم را می‌بینم
در پهنه پهن زمین بارها می‌کشم و کشته می‌شویم
و با آمدن شب صلح را می‌خوانم
بیا صلح را به یاد آوریم. . . .

منبع: نیویورک تایمز

خشم خواننده راک

از وضعیت شهر کاترینا زده

ایلنا: «بروس اسپرینگستین»، خواننده راک، سیاستمداران را به خاطر بی‌کفایتی در اجرای قوانین جنایی در پاسخ به توفان کاترینا در ایالات جنوبی آمریکا سرزنش کرد. این خواننده که در فستیوال «جاز و میراث» نیواورلئان» اجرا داشت، گفت: من چیزهایی دیدم که تا به حال در یک شهر آمریکایی ندیده بودم. بیش از ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در سراسر ایالات آمریکایی که مورد هجوم کاترینا قرار گرفتند کشته شدند و جمعیت «نیواورلئان» از حدود ۵۰۰ هزار نفر به کمتر از ۲۰۰ هزار نفر رسید. ترانه‌هایی که «اسپرینگستین» در این فستیوال خواند، اغلب مضامینی درباره همین فاجعه داشتند. ترانه «ویرانی‌های شهر من» که در اصل برای شهر محبوب ۳۰۰ هزار نفر در